



پاسخ معمای عمومی خسیس

سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل با کشف سرخ های زیر توانست راز قتل را فاش کند. ۱- گلوله به پشانی مقتول اصابت کرده بود که همین باعث اولین شک کارآگاه شد. فردی که قصد خودکشی و شلیک به سر دارد، به گیجگاه شلیک می کند نه پیشانی. ۲- دومین موضوع که باعث شک شد، شلیک گلوله و قطع شدن صدا بود. اگر این مرد خودکشی کرده بود بعد از مرگش ضبط صوت همچنان به ضبط ادامه می داد که این نشان می داد، او با تهدید برادرزاده اش این حرف ها را زده و بعد از شلیک فردی در محل بوده تا ضبط صوت را قطع کند. در شماره قبلی معمای پلیسی ۱۵۴۷ نفر از خوانندگان تپش شرکت کردند که ۷۶۲ نفر پاسخ صحیح داده و معما را حل کردند. از میان افرادی به معمای پلیسی پاسخ صحیح داده بودند، رضا پوری از تهران و نسیم پورزارع از کرج به قید قرعه برنده شدند.



با انگیزه مرموز

شما خوانندگان عزیز برای ما بنویسید که سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل و صحبت با پسر مقتول و کارگر جوان چطور توانست راز قتل را فاش کند؟ اگر داستان را با دقت بخوانید متوجه می شوید. دو دلیل برای افشای راز این پرونده را همراه با نام و نام خانوادگی به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ پیامک کنید. هر هفته به دو نفر از کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می شود

پدرمان و ازدواج ما ، به تنهایی کارهایش را انجام می داد . ما نمی دانستیم لوله آشپزخانه مشکل پیدا کرده است. اگر می دانستم خودم یک لوله کش مطمئن می آوردم. سرگرد بعد از بررسی صحنه به تحقیق از کارگر جوان پرداخت. او استرس شدیدی داشت و ترس و وحشت در چهره اش دیده می شد.

❖ «حادثه چطور رخ داد؟»

من در حال سیمان کردن چاله بودم که صدای مهیبی را پشت سرم احساس کرده و متوجه سقوط یخچال روی زن صاحبخانه شدم. یخچال سنگین بود و به سختی بلندش کرده و زیرش آجر گذاشته و پیرزن را بیرون کشیدم. مرده بود و نفس نمی کشید. با اورژانس تماس گرفتم و امدادگران نتوانستند کاری برای نجات او انجام دهند. سرگرد مکتی کرد و پرسید: معتادی؟ گاهی تفریحی تریاک می کشم.

❖ چه شد که تصمیم به قتل پیرزن گرفتی؟

قتل، اشتباه می کنید. پیرزن به علت بی احتیاطی خودش مرد. کارآگاه وقتی مقاومت این مرد را در برابر اعتراف دید، با بازپرس جنایی تماس گرفت و به دو دلیل برای قتل پیرزن به دست کارگر جوان اشاره کرد و حکم بازداشت او را گرفت.

برای بررسی آن به خانه بیاورد. پیرزن امروز قصد داشته از بالای یخچال گلدانی را بردارد که یخچال روی او سقوط می کند و باعث مرگش می شود.

❖ کجای ماجرا مشکوک است؟

فرزندان او مدعی هستند که کارگر ساختمانی مادرشان را کشته است.

❖ چه دلیلی برای این ادعا دارند؟

می گویند مادرشان محتاط بوده و در این سال ها گرفتار هیچ حادثه ای نشده بود.

❖ سرقتی از خانه شده؟

فرزندان پیرزن می گویند مادرشان پول و طلای زیادی دارد که داخل گاوصندوق می گذاشت، نتوانستند کلید را پیدا کنند و ببینند وسایل سرچایش است یا نه؟ سرگرد به بررسی خانه پرداخت. یخچال ساییدهای ساید، واژگون کف آشپزخانه افتاده بود. پشت یخچال اثر انگشت سیمانی دیده می شد. کارآگاه قصد داشت یخچال را به حالت عادی برگرداند اما سنگین بود و با کمک دو مأمور دیگر آن را بلند کرد. لکه های خون روی در یخچال دیده می شد. کارآگاه سپس به تحقیق از پسر بزرگ مقتول پرداخت تا دلیل آنها برای قتل مادرشان را بفهمد. مرد میانسال در حالی که از این اتفاق شوکه شده بود ، گفت: مادرمان بازنشسته دادگستری بود. او خیلی محتاط و با نظم بود. بعد از فوت

سرگرد رضوانی پس از بازگشت از باشگاه تیراندازی کیفش را داخل کمد گذاشت و به سمت میزش رفت تا گزارش قتل مرد جوان در نزاع را بنویسد که زنگ گوشی کشیک قتل به صدا درآمد. مأمور کلانتری ۳۴ تهران از مرگ مشکوک زن سالخورده ای در غرب تهران خبر داد. فرزندان این زن مدعی قتل مادرشان بودند و بازپرس جنایی هم دستور داده بود، افسر ویژه قتل پلیس آگاهی، صحنه را بررسی و گزارش حادثه را تنظیم کند.

کارآگاه نشانی خانه را یادداشت کرد و بعد از هماهنگی با رئیس اداره راهی آنجا شد. حادثه در یک خانه ویلایی دوبلکس رخ داده بود. سرگرد وارد خانه شد. جمعیتی گریه کنان کنار حیاط ایستاده بودند که مشخص بود بستگان نزدیک زن فوت شده هستند. کارآگاه به ساختمان که رفت، با جسد در مقابل آشپزخانه روبه رو شد. دکتر در حال معاینه آن بود. زنی حدود ۷۵ ساله و ریزنقش. وسایل خانه مرتب و تمیز بود و فقط در گوشه ای از آشپزخانه چاله ای حفر شده بود و روی خاک ها بیل و کلنگ قرار داشت.

افسر کلانتری با مشاهده سرگرد به سمت او آمد و در گزارش اولیه ماجرا گفت: آن طور که متوجه شدم، چند روزی بود گوشه آشپزخانه نم می داد و همین باعث شد دیروز پیرزن کارگری را

وچیدشکری

تپش

چرا پیرزن را کشتم؟

روز بعد وقتی کارگر جوان مقابل کارآگاه نشست به قتل پیرزن اعتراف کرد و گفت: بعد از شیوع کرونا درآمد کم شده بود. اهالی قبول نمی کردند یک غریبه وارد خانه شان شود و خیلی روزها تا غروب کنار خیابان می ایستادم و آخر سر دست از پادارز تر به خانه بر می گشتم. وقتی پیرزن مرا به خانه اش آورد متوجه شدم تنها است و وسوسه شدم از خانه اش سرقت کنم. فکر می کردم با سرقت از آنجا می توانم تمام مشکلاتم را حل کنم. وقتی پیرزن در حیاط مشغول آب دادن گل ها بود، به طبقه بالا رفته و به دنبال پول و طلا بودم که او را پشت سر خودم دیدم. سریع گوشی را برداشتم تا با پلیس تماس بگیرم که محکم هلمش دادم. سرش به چارچوب در خورد و مرد. بعد هم برای صحنه سازی جسدش را به آشپزخانه بردم و یخچال را رویش انداختم.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ هاج یک مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۷۷ ایران ۵۳ با شماره موتور 182A0125025 شماره شاسی NAAP03EEXLJ178588 به نام آرزو جباری با کد ملی ۱۱۹۰۰۳۳۲۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی و برگ سبز سواری سمند ایکس ۷ رنگ خاکستری متالیک، مدل ۱۳۸۷، شماره موتور 12487034583، شماره شاسی NAAC21CB08F701556 و شماره پلاک ۱۳۳ص ۵۱ ایران ۴۶ به نام پرویز صادق پور سرونندانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.